

سخن سرای معظم

بلند گشت چو تندر صدای پاکستان
شنید عالم امکان ندای پاکستان
شد از نبرد درخشان لوای پاکستان
دمید صبح سعادت برای پاکستان
هر از نوای ظفر شد فضای پاکستان

رسید خرم و زیبا بهار آزادی
وزید باد مراد از کنار آزادی
بخورد آب دل از جویبار آزادی
خجسته باد و نکو روزگار آزادی
بتافت طاع بی انهای پاکستان

شکوه دور نماید وجود استقلال
جهان فیض کشاید سجد استقلال
ثبات عزم فراید سرود استقلال
ز سینه زنگ زداید درود استقلال
به زندگیت مساعد هوای پاکستان

شجاع مرد مقدم محمد اقبال است
 دلیل عقل مجسم محمد اقبال است
 به اصل فضل مکرم محمد اقبال است
 سخن سرای معظم محمد اقبال است
 که اوست گوهر قیمت بهای پاکستان

به شوق رنجبران درس انقلاب آموخت
 سرام غیرت و ایجاد فتح باب آموخت
 تمام حکمت و اعجاز آفتاب آموخت
 شعار کار نجات و ره صواب آموخت
 که لایق است به مدح و ثنای پاکستان

ز خلق کشور شورا سلام آوردیم
 ز دوستی و محبت پیام آوردیم
 ز یک دلی سخن احترام آوردیم
 اراده عمل بر دوام آوردیم
 که باد زیور همتی بقای پاکستان
